

# ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی  
مدیرمسئول: مهدی شفيعی  
سرمدبیر: جواد دبیری

آذان ظهر ۱۳/۰۸ | آذان مغرب ۲۰/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۵ | آذان صبح فردا ۴/۵۴ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۵

امام‌علی‌علیه‌السلام:

هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون جهل و هیچ میراثی چون ادب و هیچ یشتیبانی چون مشورت نخواهد بود.

**سخن روز**

### نگاره



فیروزه مظفری

دلوایسی های والدین برای آغاز سال تحصیلی کرونایی



هشتمین دوره جایزه لاک پشت پرنده با معرفی آثار برگزیده به کار خود پایان داد

## ادبیات، دریچه‌ای برای گذر از سختی‌های امروز

**مریم شهبازی**  
خبرنگار

مراسم اهدای نشان لاک‌پشت پرنده هم از محدودیت‌های ناگزیر بیماری کرونا در امان نماند و اختتامیه این رویداد فرهنگی با تأخیری چندماهه، بالاخره جمع‌عشب از طریق صفحه اینستاگرام شهر کتاب مرکزی برگزار شد و آثار برگزیده هشتمین دوره معرفی شدند.

■ **فهرستی برای خانواده‌های دوستدار کتاب**

پای ثابت این مراسم هم مانند بخش گریزنایدیر این روزهای زندگی مان با رعایت ملزومات پزشکی و توصیه‌های کارشناسان همراه بود، هر چند که به دلیل خالی بودن سالن فیلمبرداری از حضور میهمانان، سخنرانان از این فرصت برخوردار بودند که حداقل زمانی که پشت میکروفن قرار می‌گیرند ماسک خود را ر کنار بگذارند. آغاز بخش سخنان مرژان امجد، معاون توسعه مؤسسه شهر کتاب درباره شرایط متفاوتی بود که برگزار کنندگان این جایزه هر یک کتاب‌های کودک و نوجوان پشت سر گذاشتند، اینکه هشتمین دوره در حالی به کار خود پایان داد که خبری از میهمانان سال‌های گذشته نبود، هر چند که به‌هر حال به لطف امکاناتی که فضای مجازی در این شرایط فراهم کرده‌علاقه‌مندان به شکل آنلاین قادر به همراهی مراسم بودند. اما قبل از آنکه گفته‌های دیگر سخنرانان این مراسم را بخوانید بد نیست بدانید لاک‌پشت پرنده تنها به این جایزه سالانه محدود نمی‌شود و یکی از اقدامات آن ارائه فهرست آثار منتخب کارشناسان آن است. یکی از مهم‌ترین اهداف برای این جایزه کمک به خانواده در تهیه آثار ادبی استاندارد برای مخاطبان کودک و نوجوان با همکاری مشترک مؤسسه شهر کتاب و فصلنامه تخصصی پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان است، البته این تنها فهرستی نیست که والدین جوان قادر به بهره‌مندی از آن هستند، شورای کتاب کودک به دبیرِ نوش آفرین انصاری و همچنین کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان نیز بنابر استاندارد های مورد نظر خود دست به انتشار فهرست‌های دیگری می‌زنند و خانواده‌ها قادر به استفاده از نتایج هر سه فهرست هستند.

■ **انتشار الکترونیک پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان**

اما آثار منتخب هشتمین دوره، کتاب‌هایی هستند که داروان جایزه طی یک سال بررسی کرده و در نهایت میان آنها دست به انتخاب زده‌اند؛ سخنرانی بعدی به مهدی حجوی، مدیرمسئول پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان تعلق داشت. حجویانی داستانکی برای مخاطبان خواند، قصه‌ای کودکانه که چندان دور از شرایط این روزهایمان نیست. او بار از امیدواری کرد که شیوع بیماری کرونا و مشکلات نشأت گرفته از آن سبب لغو برپایی این جایزه نشده و گفت: «اگر جایزه لاک‌پشت پرنده حتی در شرایط فعلی هم لغو نشده و به کار خود ادامه داده به سبب این است که در پی مناسبات مادی نیست و کاری داوطلبانه انجام می‌دهد.» این استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر که به مطالعه آن حوزه بود، و نوجوان شناخته می‌شود ضمن معرفی آثار برگزیده تعلق داشت، نه‌لذا طهماسبی در بخش ترجمه موفق به دریافت نشان ویژه لاک‌پشت پرنده شد، طهماسبی هم که با پیامی ویدئویی در این مراسم حضور داشت ضمن آرزای تأسف

# و

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
تایمر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
روایط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
مستدوق پستی: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ چاپ / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewsaper.ir

## بستری شدن خسرو آواز ایران در بیمارستان

محمدرضا شجریان در بیمارستان بستری شد، خبری که روز گذشته به سرعت در رسانه‌ها و فضاهای مجازی منتشر شد و باعث نگرانی عاشقان و طرفداران خسرو آواز ایران شد. طبق اطلاعیه هیأت مدیره بیمارستان جم، روز گذشته استاد شجریان به دلیل افت سطح هوشیاری، افت فشار خون، شوک سپتیک در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان جم بستری شده و تحت نظر تیم پزشکی است. دکتر حسن عباسی پزشک و از دوستان خانوادگی محمدرضا شجریان در گفت‌وگو با «ایران» ضمن تأیید این مطلب گفت: صبح شنبه به دلیل ضعف جسمی و افت فشار خون آقای شجریان به بیمارستان منتقل شده و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری هستند و در حال حاضر هم تحت نظر مراقبت‌های پزشکی اند. به هر حال زمانی که بیمار به بخش آی سی یو منتقل می‌شود جای نگران وجود دارد اما از زمانی که به بیمارستان منتقل شده‌اند حالشان کمی بهتر شده و همچنان مراقبت‌های پزشکی ادامه دارد.



درباره جدال تلویزیون با شبکه نمایش خانگی

## نقد رقیب یا حذف رقیب!

شبکه نمایش خانگی مثل هر مدیومی واجد نقاط ضعف و قوت است و منتقدان سینما بویژه در یک سال اخیر نقدهای جدی به سطح کیفی این آثار داشتند و بر ضرورت ارتقای کیفی آن تأکید کردند اما مدتی است که تلویزیون با تولید گزارش‌های متعدد در بخش‌های مختلف خبری بایر جسته‌کردن مسائلی مثل فساد اخلاقی، ترویج بی‌بند وباری و عشق مثلتی به هجمه شدید علیه شبکه‌نمایش خانگی می‌پردازد که به نظر می‌رسد بیش از آنکه برآمده از دغدغه‌های فرهنگی و هنری باشد، زمینه‌سازی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی برای القای این نگاه است که متولیان این شبکه نمایشی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صلاحیت لازم برای مدیریت و نظارت بر این بخش را نداشته تا مقدمات لازم برای تقویض تولید این بخش به صدا

وسیما فراهم شود. در نقد این نقد باید چند ملاحظه را د در نظر گرفت و به یاد آورد. یکی اینکه خود تلویزیون بسیاری از کارگردان‌هایی را که سریال‌های پرمخاطب برای این رسانه تولید کرده بودند مثل حسن فتحی، رضا عطاران، پیمان قاسمخانی و.. را از خود گریزان کرده و همان تربیت شدگان سیما امروز از این رسانه فرار کرده و به شبکه نمایش خانگی پناه آورده‌اند. همان‌هایی که سریال‌های طلایی برای تلویزیون ساخته‌اند یا به آن دعوت نمی‌شوند یا حاضر به همکاری مجدد با آن نیستند. ضمن اینکه در شبکه نمایش خانگی آثار ارزشمندی ساخته شده که می‌تواند معیار و الگوی وزارت ارشاد برای تولید نمایش خانگی باشد مثل سریال شهرزاد که اینک نقطه عطف در شبکه‌نمایش خانگی بود. حالا سال هاست که تلویزیون بجز مجموعه پایتخت و چند نمونه

ذکری در امیدواری تعطیل نشدن تماشاخانه‌های غیردولتی

### حراج: به دلیل تغییر شغل

هرچه قدر تولد هر تماشاخانه می‌توانست گوارا باشد؛ تعطیلی هر تماشاخانه چودندان ناگوار است. از قدیم گفته‌اند: «خاموشی» و «فراموشی» واز همین قرار است که می‌خواهم بگویم گرامی که به دست باز می‌شود را به دندان حواله ندهیم. بلا برآیده است و کسی نمی‌تواند مصائب کرونا را انکار کند. چاره ناچار این درد، دوری است و تئاتر که از اساس زنده به هم چشمی و هم‌نفسی است، چه می‌تواند در پیش داشته باشد که خلقی را به خطر نیندازد؟! می‌ترسم بگویم: «صبوری» و بشنوم: «صبوری طرفه خاکی بر سزم کرد» اما مگر می‌توان با هنر زیسته باشی و با مردم و برای مردمست گریسته باشی و به دوباره‌های فردا امیدوار نباشی. سخت است و این سختی را تنها کسی می‌فهمد که به اصطلاح تئاتری‌ها «خاک صحنه را خورده باشد». شش ماه از ناگزیری پشت سر و پیش رو گذشته است و آن چه از اخبار و اقوال شنیده می‌شد و می‌شود، حمایت از جامعه تئاتری است. احصای آثار و آمار جمعیتی که علاوه بر خاک صحنه، خاک خُسران نیز خورده‌اند هر چند در جای خود تدبیر به وقتی پیدا اما متمم آن ضرورت دارد آن چه که از آن «حمایت» یاد می‌شود به تناسب و تکریم ترویج گردد تا لاقفل خرچ نه تولید متوقف نگردد و معیشت به نفس افتاده هنرمندان، تکمله مصیبت نشود. یکی از مهم‌ترین مقاصد این حمایت، مؤسسات تئاتری است که در شکل‌گیری تماشاخانه‌های غیردولتی نقش بسزایی داشته‌اند. شاخصه‌ای که به حرفه‌ای‌تر شدن تئاتر در این سال‌ها کمک کرده است و ضرورت وجودی آنها بارها از زبان متولیان دولتی تئاتر شنیده شده است. کافی است متوجه تأثیر یک تماشاخانه در شاخصه‌هایی همچون اشتغال زایی مستقیم و غیرمستقیم، تقویت بازار تئاتر، مخاطب آفرینی و اقتصاد هنر باشیم.

شاید هر کسی در طول عمر خویش به ویتترین‌هایی برخورد کرده باشد که پشت آنها نوشته شده باشد: «حراج: به دلیل تغییر شغل». حالا با این تصور به تماشاخانه‌ها برگردیم و فکر کنیم کسی که کیف و کفش، البسه، خواروبار یا هر چیز دیگری می‌فروشد شاید بتواند به تغییر شغلش امیدوار باشد اما تئاتر که هنوز امیدواریم در شمار شغل‌ها تعریف شود آیا می‌تواند مشمول موهبت تغییر «شغل» شود؟! تصور محالی است. باید با تسریع و تصریح در فرآیند حمایت، به حفظ و حراست از تماشاخانه‌ها پرداخته شود. راهکارهایی همچون وام‌های کم‌بهره سهل الوصول، واگذاری بخشی از پلاک‌های فرهنگی به مؤسسات حرفه‌ای تئاتر و پیش خرید کیشه‌های پیش روی متولیان تئاتر است که قطعاً به آنها اندیشیده‌اند و هم در مقام وظیفه و هم به عنوان مسئولیت شهروندی دریغ نخواهند کرد. می‌نویسم «صبوری» و این شعر از سیدعلی صالحی را با این امید که هیچ چراغی به خاموشی و هیچ خاطره‌ای به فراموشی نینجامد زمزمه می‌کنیم:

دارم هی پا به پای نرفتن صبوری می‌کنم/ صبوری می‌کنم تا تمام کلمات عاقل شوند/ صبوری می‌کنم تا ترنم نام تو در ترانه کامل‌تر شود/ صبوری می‌کنم تا طلع تبسم، تا سه امید که سراع همسایه/ صبوری می‌کنم تا مادرا، مدارا، مرگ/ تا مرگ، خسته از دق الباب نوبتم/ آهسته زرب لب چیزی، حرفی، سخنی بگوید/ مثلاً وقت بسیار است و دوباره باز خواهم گشت/ حالا بروای مرگ، برادر، ای بیم ساده آشنا/ تا دوباره باز آیی/ من هم دوباره عاشق خواهم شد

## «راز داوینچی» رمانی جنایی با رنگ و بوی نمادهای هنری

آخرین کتابی که با محتوای هنری خواندم راز داوینچی اثر دن براون ترجمه حسین شهبازی بود. این کتاب با اینکه یک رمان جنایی- پلیسی است اما با نمادشناسی و رمزشناسی‌های زیبایی که از آثار داوینچی در آن است خیلی زیبا در ذهن یک هنرمند باقی می‌ماند. اکثر هنرمندان و نیز مردم دوست دارند گالری گردی کنند و موزه‌های مهم دنیا را ببینند. اما ممکن است که این شرایط برایشان مهیا نشود. مخصوصاً موزه لوور که در پاریس است و سفر کردن به آنجا برای همه میسر نیست. در این کتاب آنقدر فضای موزه لوور به خوبی تفسیر و فضاسازی شده بود که برای من بسیار جذاب بود. مخاطب در هنگام خواندن کتاب به نوعی با رموز آثار داوینچی هم آشنا می‌شود. فضای داستان و شخصیت‌پردازی رمان به گونه‌ای مهیج است که مخاطب را تا پایان کتاب می‌کشاند.

ماجرای رابرت لانگدون شخصیت اصلی، داستان نمادشناسی سفر کرده است که به پاریس سفر کرده است تا در یک سخنرانی شرکت کند. او پس از مراسم سخنرانی با یکی از موزه داران شناخته شده موزه لوور آشنا می‌شود و وقتی با او قرار می‌گذارد تا او ملاقات کند متوجه می‌شود که او مرده است. در همین کش و قوس‌های داستان

جنایی است که مخاطب طوری داستان می‌خواند که انگار در ذهنش به موزه لوور هم سفر کرده است. من خود احساس می‌کردم که آثار را در نزدیکی می‌بینم. این کتاب برای من خیلی جذابیت داشت. تمام کسانی که به نمادشناسی و رمز شناسی علاقه دارند پیشنهاد می‌کنم که این کتاب را بخوانند. و رمانی که حس و حال ماجراجویی دارد و در عین حال قدیمی بر می‌دارد تا اینکه هنرمندان و موزه‌ها را معرفی کند و تاریخ هنر را برای ما زنده کند.

وقتی کتاب‌های علمی در خصوص نمادها و نشانه‌ها را می‌خوانیم آنقدرها در ذهنمان ممکن است نمادها نماند ولی با این داستان و رمان نمادها به خوبی در ذهن آدمی می‌ماند.

### چی بخوانیم



سلیمه قزل  
نقاش



### راز داوینچی

ماجرای رابرت لانگدون شخصیت اصلی، داستان نمادشناسی سفر کرده است که به پاریس سفر کرده است تا در یک سخنرانی شرکت کند. او پس از مراسم سخنرانی با یکی از موزه داران شناخته شده موزه لوور آشنا می‌شود و وقتی با او قرار می‌گذارد تا او ملاقات کند متوجه می‌شود که او مرده است. در همین کش و قوس‌های داستان

جنایی است که مخاطب طوری داستان می‌خواند که انگار در ذهنش به موزه لوور هم سفر کرده است. من خود احساس می‌کردم که آثار را در نزدیکی می‌بینم. این کتاب برای من خیلی جذابیت داشت. تمام کسانی که به نمادشناسی و رمز شناسی علاقه دارند پیشنهاد می‌کنم که این کتاب را بخوانند. و رمانی که حس و حال ماجراجویی دارد و در عین حال قدیمی بر می‌دارد تا اینکه هنرمندان و موزه‌ها را معرفی کند و تاریخ هنر را برای ما زنده کند.

وقتی کتاب‌های علمی در خصوص نمادها و نشانه‌ها را می‌خوانیم آنقدرها در ذهنمان ممکن است نمادها نماند ولی با این داستان و رمان نمادها به خوبی در ذهن آدمی می‌ماند.

### عکس نوشت

کار ساخت سالن روبازو تخصصی تاتار و موسیقی «هما» که به یاد هما روستا تأسیس شده به پایان رسیده است. دیروز فیلمی از روند ساخت این سالن در شهر آفتاب منتشر و اعلام شد با گرفتن مجوزهای لازم برنامه‌های آن اجرا می‌شود. سالن «هما»

طبق اعلام بانی‌های آن گنجایش ۶۰۰ خودرو و ۲ هزار تماشاگر دارد و ویژه اجرای تاتار و موسیقی تعریف شده است. بعد از همه‌گیری کرونا و تعطیلی سالن‌های تاتار و کنسرت‌های موسیقی، گروه تاتار «مونگو» به سرپرستی همایون غنی زاده تصمیم گرفت سالن روباز «هما» را تأسیس کند. البته غنی زاده سال‌ها پیش هم سالتی به‌نام این بازیگر شاخص تاتار راه‌اندازی کرده بود که با مشکلاتی که هنگام ساخت پیش آمد کارش ناتمام ماند.



### گاهی وقتا

همون آدمی که

هیچکس فکرشم

نمی‌کنه،

کاری‌می‌کنه که

هیچکس فکرشم

نمی‌کنه

مورتن تیلداام

بازی تقلید

مورتن تیلداام

### به نام تاریخ

روز صد و پنجاهم سال مصادف است با سالروز از دست دادن یکی از بهترین بازیگران ایران. یکی از ۵ آن چهره خاص سینما که بعد است نام و بازی‌هایش را از یاد ببرید. درباره عزت‌الله انتظامی در صفحات فرهنگی امروز بخوانید.

### تولها

**چارلز بوکوفسکی**:داستان‌نویس و شاعر آلمانی که البته با داستان‌های امریکایی‌اش شناخته می‌شود سال ۱۹۲۰ در چنین روزی به‌دنیا آمد. پس از جنگ جهانی اول خانواده او به امریکا رفتند و به همین دلیل نوشته‌های بوکوفسکی تخت تأثیر فضای شهر لس آنجلس بود. «عواقب یک یادداشت بلند مردود» اولین داستانی بود که از او در یک مجله منتشر شد. دو سال بعد یک داستان کوتاه دیگر منتشر کرد و پس از آن نویسندگی را ۱۰ سالی کنار گذاشت و در این مدت کارهایی چون نامه‌رسانی انجام می‌داد. پس از سال‌ها دوباره شاعری را آغاز کرد و اشعارش در مجله‌های آن زمان منتشر می‌شدند. از سال ۱۹۶۹ اما به‌طور تمام‌وقت نویسندگی را ادامه داد و نتیجه‌اش ۶ رمان، صدها داستان کوتاه و شعر بود. از بوکوفسکی بیش از ۵۰ کتاب منتشر شده که «زیاترین زن شهر»، «داستان‌های جنون معمولی»، «عامه پسند»، «هالیوود» و «ساندویچ ژامبون» از آنها هستند. بوکوفسکی که به‌عنوان یکی از نویسندگان تأثیرگذار معاصر شناخته می‌شود سال ۱۹۹۴ درگذشت.

■ **مهدی اسدزاده** داستان‌نویس، **ابوالقاسم ایرانی** شاعر و **حسین عبدالوند** شاعر هم متولد امروز هستند.



**عزت‌الله انتظامی**: دو سال پیش در چنین روزی آقای بازیگر سینمای ایران درگذشت. عزت‌الله انتظامی متولد ۱۳۰۳ در سنگلج تهران بود و لهجه خاص تهرانی او در بسیاری از نقش‌هایش مانند «عباس آقا» در «آچار نشین‌ها» یکی از ویژگی‌های بازی او بود. از سال ۱۳۲۶ بازیگری را آغاز کرد و پس از آن به المان رفت و در یک مدرسه شبانه‌روزی آموزش سینما و تئاتر تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران کارش را از پیش پرده‌خوانی در تماشاخانه‌های لاله را از شروع و سال ۱۳۲۰ در نخستین نمایش حرفه‌ای اش به‌نام «ولنتیناتوم» بازی کرد. «وارثه بهاری» اولین کارش در سینما بود و ۲۰ سال پس از آن با بازی در فیلم «گاو» داریوش مهرجویی به شهرت رسید. فیلمی که جایزه هوگو نقره‌ای بهترین بازیگر نقش اولین مرد را از جشنواره فیلم شیکاگو برایش همراه داشت. «آقای هالو»، «دایره مینا» و «پسینتی» از دیگر کارهای ماندگار او پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است و پس از آن با فیلم‌هایی چون «آچار نشین‌ها»، «هامون»، «روسی آبی» و سریال «هزارداستان» درخشید. او برای فیلم‌های «گاو خونی»، «خانه‌ای روی آب»، «روز فرشته» و «گراند سینما» برنده سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر شد.

**مارگارت میچل**: نویسنده رمان مشهور «برباد رفته» سال ۱۹۲۹ در چنین روزی درگذشت. مارگارت میچل متولد سال ۱۹۰۰ بود و ابتدا پزشکی می‌خواند اما این رشته را همزمان با مرگ مادرش کنار گذاشت و روزنامه‌نگاری را ادامه داد. کودکی میچل در میان کهنه سربازهای جنگ داخلی امریکا در خانواده مادری‌اش گذشت و براساس همان خاطرات از سال ۱۹۲۶ شروع به نوشتن رمان «برباد رفته» کرد که نوشتنش ۱۰ سالی طول کشید و وقتی در سال ۱۹۳۶ منتشر شد سرعت محبوب و به ۱۶ زبان ترجمه شد. از مارگارت میچل همین یک کتاب منتشر شده هر چند که در سال‌های اخیر کتاب دیگری به‌نام «لاست لایسن» از او چاپ شده اما همچنان «برباد رفته» شناسنامه کار اوست. کتابی که جایزه کتاب ملی امریکا را در همان سال ۱۹۳۶ گرفت و یک سال بعد میچل را برنده جایزه پولیتزر کرد. داستانی که تاکنون بیش از ۳۰ میلیون نسخه از آن در جهان به فروش رفته است.



**سید ضیاالدین دری**: کارگردان و نویسنده‌ای که با سریال «کیف انگلیسی» بیشتر او را می‌شناسید سال ۹۷ در چنین روزی درگذشت. سید ضیاالدین دری متولد ۱۳۳۲ بود و کارش را با تلویزیون آغاز کرد اما در سال ۶۳ با ساخت فیلم «صاعقه» وارد سینما شد. پس از آن فیلم‌های «دیدار در غبار»، «سینما سینماست»، «باد و شقایق»، «لژیون»، «عشق ممنوع» و «من و دیوار» را ساخت که البته این دو فیلم آخر در لبنان ساخته شدند و در ایران اکران نشدند. «کیف انگلیسی» به‌عنوان یکی از ماندگارترین آثار دری در سال ۱۳۷۸ ساخته شد. سریالی که به دلیل بازی لیلا حاتمی و علی مصفا در آن و موسیقی‌اش و البته داستان و روایتش بسیار مورد توجه قرار گرفت. «کلا پهلوی» آخرین کاری بود که از دری پخش شد.

■ **ساروز در گذشت اویس برپسلی** سلطان موسیقی راک اند رول، **انثیه شرتونی** نویسنده و روزنامه‌نگار لبنانی و **علی محمد خادم میثاق** نوازنده ویولن هم امروز است.



طبق اعلام بانی‌های آن گنجایش ۶۰۰ خودرو و ۲ هزار تماشاگر دارد و ویژه اجرای تاتار و موسیقی تعریف شده است. بعد از همه‌گیری کرونا و تعطیلی سالن‌های تاتار و کنسرت‌های موسیقی، گروه تاتار «مونگو» به سرپرستی همایون غنی زاده تصمیم گرفت سالن روباز «هما» را تأسیس کند. البته غنی زاده سال‌ها پیش هم سالتی به‌نام این بازیگر شاخص تاتار راه‌اندازی کرده بود که با مشکلاتی که هنگام ساخت پیش آمد کارش ناتمام ماند.



### بارگردا اسکن کنید و گزارش ویدئویی را ببینید



## پیانو و موسیقی کلاسیک

آرپینه اسرائیلیان پیانیست و مدرس موسیقی در دانشگاه تهران است. با او درباره فضای آموزش موسیقی، موسیقی کلاسیک و فولکلور ایران گفتگو کردیم.

